

طنز در کتاب

چکیده

از مجموع ۲۲ عنوان کتاب درسی نزدیک به ۳۰ درصد از محتوا به طنز اختصاص یافته و حدود ۷۰ مورد طنز در قالب‌های داستان، حکایت، نمایش، رمان، اسطوره و... آمده است. بیش‌ترین حوزه‌ی طنز به دوره‌ی دبیرستان اختصاص دارد (۴۶ مورد) و کم‌ترین به ابتدایی. زبان طنز جز جذابیت‌های ذاتی، روشی برای ارائه‌ی محتوا نیز هست. این مقاله می‌کوشد با نگاهی انتقادی به کم و کیف این حوزه در کتاب‌های درسی بپردازد.

آن‌هایی که دارای درونمایه‌ی طنزند، ولی در کتاب‌های درسی با عنوان «اثر طنز» تلقی نمی‌شوند، و آن‌هایی که با عنوان «اثر طنز» و با هدف ارائه‌ی نمونه‌هایی از آثار طنزآمیز معاصر یا گذشته در اختیار دانش‌آموز قرار می‌گیرند.

نمونه‌های بخش اول، با توجه به نسبی بودن و گستردگی مفهوم طنز، طیف قابل توجهی از آثار ادبی چاپ‌شده در کتاب‌های درسی را شامل می‌شوند.

حکایت کوتاه «داستان اینشتین» در بخش علم کتاب اول، حکایت معروف «نحوی و کشتیبان» مولانا و شعر «راز زندگی» قیصر امین‌پور در کلاس دوم، و داستان دو قسمتی «آدم آهنی و شاپرک» در کتاب کلاس سوم، یا یکسره طنزند و یا رگه‌های لطیفی از طنز را در خود دارند، ولی در مقدمه یا متن درس، اشاره‌ای به «طنز» بودن آن‌ها نشده است. در کنار این‌گونه آثار، با حکایت‌هایی در کتاب‌های ادبیات

طنز در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره‌ی راهنمایی و دبیرستان، جایگاهی مستقل، روشن و مشخص دارد. مؤلفان کتاب‌های ادبیات دوره‌ی جدید به این نکته توجه داشته‌اند که نمی‌توان به بررسی تاریخ ادبیات ایران تا مشروطه و نیز دوره‌ی معاصر پرداخت و از طنز و طنزنویسان سخن نگفت، مسئله‌ای که تا بدین پایه در کتاب‌های درسی دوره‌های گذشته ادبیات فارسی به چشم نمی‌خورد.

این توجه، هم در گنجانیدن آثار طنزآمیز در دروس متجلی است و هم در طرح مباحث نظری پیرامون طنز و تصویر الگوهای کاربردی طنزنویسی برای دانش‌آموزان.

دوره‌ی راهنمایی تحصیلی الف - آثار طنزآمیز

در کتاب‌های فارسی دوره‌ی راهنمایی، با دو گونه اثر طنز مواجهیم.

کلیه‌ی آه‌ها، طنز کتاب درسی
هزل، فکاهی، هجو، نقد اجتماعی،
طنز فرهنگی خانواده‌گی و...



❖ (ویا صدر)

(متولد ۱۳۳۹) کارشناس علوم ریاضی و کامپیوتر. کار خود را در سال ۱۳۵۹ با مطبوعات آغاز کرد و بازن رور، امید انقلاب، پیام انقلاب، گل آقا، کتاب ماه، شرق، وقایع اتفاقیه و... همکاری داشته و دارد. وی از جمله منتقدان و پژوهشگران حوزه‌ی طنز است. کتاب «بیست سال با طنز» وی در جستواره‌ی پروین اختصاصی به عنوان اثر پژوهشی برنده شد. وی هم‌چنین در سال‌های ۷۶ و ۷۸ جز، نشریات برگزیده در حوزه‌ی طنز مکتوب شد. برخی از آثار او عبارت است از: فرهنگ زنان پژوهشگر در علوم انسانی، برگ زیتون، خبرنامه‌ی محرمانه، مثل تفاهم.



الف- آثار طنز آمیز

چاپ حکایت‌های کوتاه با عنوان «آورده‌اند که...» در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره‌ی دبیرستان نیز مانند دوره‌ی راهنمایی دنبال می‌شود، با این تفاوت که حکایت‌های کوتاه کتاب‌های دوره‌ی راهنمایی، از نظر ساختاری لطیفه‌ی ادبی است ولی حکایات کوتاه دوره‌ی دبیرستان، بیش‌تر، درونمایه‌ی اخلاقی-عرفانی دارد و از نظر ساختمان کلمات نیز پیچیده‌تر است. در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره‌ی دبیرستان، آثار طنز آمیزی چاپ شده است، بدون این‌که با عنوان «آثار طنز» ارائه شود یا به طنز آمیز بودن آن در متن یا مقدمه‌ی درس اشاره‌ای صورت گیرد:

- شعر «طوطی و بقال» در ص ۵۲ کتاب سال اول که در عداد

فارسی دوره‌ی راهنمایی، در صدد آشنا ساختن فضای ذهنی مخاطبان نوجوان با مفاهیم ادبی است و پرداختن دقیق به ابعاد نظری مفاهیم مربوط به طنز را به کتاب‌های درسی سال‌های آتی سپرده‌اند. ولی در مجموع می‌توان گفت گنجاندن حکایات‌ها و آثار طنز آمیز در این کتاب‌ها، برای آشنا ساختن فضای ذهنی دانش آموز با آثار طنز، کاری شایسته است.

دوره‌ی متوسطه

در دوره‌ی متوسطه، همراه و همگام با بررسی دقیق‌تر تاریخ ادبیات ایران، طنز و شناخت ویژگی‌های آن، به صورتی جدی موزاد توجه قرار می‌گیرد. بیش‌تر آثار طنز آمیز دوره‌ی متوسطه، با بحث‌های نظری در زمینه‌ی طنز، با هدف آشنا ساختن دانش آموزان با مفهوم طنز و دیگر شاخه‌های شوخ طبعی همراه‌اند.

دوره‌ی راهنمایی مواجهیم که برای تنوع بخشی در مطالب کتاب درسی در پایان هر بخش آمده است. این حکایت‌ها، برگرفته از آثار رساله‌ی دلگشا و کلیات عبید، بهارستان جامی، امثال و حکم دهخدا، یادداشت‌های علامه قزوینی و... هستند.

ب- تعریف طنز

در صفحه‌ی ۱۳۹ کتاب ادبیات سوم، در بخش بیاموزیم، ضمن ارائه‌ی تعریفی دقیق از لطیفه‌ی ادبی (لطیفه‌هایی که در متن کتاب نمونه‌هایی از آن آمده است) به وجوه افتراق طنز، هزل و فکاهی پرداخته شده است. بر اساس این تعریف، شاخصه‌ی طنز اجتماعی بودن آن است و هر چه مایه‌ی خنده آن بیش‌تر و نکته‌ی اجتماعی آن ضعیف‌تر باشد، به هزل و فکاهی نزدیک‌تر می‌شود. این تعریف به تناسب توانایی ذهنی شاگردان این مقطع تحصیلی، شناختی اجمالی را نسبت به طنز به دانش آموز می‌دهد و او را برای آشنایی عمیق‌تر با این گونه‌ی ادبی در سال‌های تحصیلی بعد آماده می‌سازد. از این رو به نظر می‌رسد کتاب‌های



آثار طنز مولانا شمرده می شود ولی در این جا تنها به اخلاقی بودن آن اشاره شده است.

- داستان کوتاه «هدیه ی سال نو»، نوشته ی آ. هنری» در ص ۸۷ کتاب سال سوم که از جمله الگوهای خوب داستان های لطیفه وار ادبیات معاصر است ولی در معرفی، تنها به شیوه ی داستان نویسی کوتاه، احساساتی و نیمه واقع گرایانه ی نویسنده اشاره شده است.

- شعر «زیب النساء» در ص ۱۸۰ کتاب سال دوم که از معدود آثار معروف طنز آمیز زنان پارسی گو در تاریخ ادبیات ایران است و به عنوان «بدیهه گویی» آمده است.

- «خاطرات اعتماد السلطنه» در ص ۱۸۵ کتاب سال دوم که به عنوان نمونه ی «سفرنامه، حسب حال و زندگی نامه» آمده است و سراسر طنز است.

- حکایات مباحث ادبیات تطبیقی در کتاب ادبیات فارسی سال سوم.

- حکایات بخش بازگردانی، بازنویسی، بازآفرینی در ص ۱۱۶ کتاب سال سوم رشته ادبیات و علوم انسانی.

- «چند حکایت از اسرار التوحید» در ص ۱۱۳ کتاب زبان و ادبیات عمومی دوره ی پیش دانشگاهی که طنزی رندانه و صوفیانه را در خود دارد.

- «داستان خسرو با مرد زشت روی» به نقل از مرزبان نامه در ص ۲۶ کتاب ادبیات فارسی دوره ی پیش

دانشگاهی رشته علوم انسانی.

- «سروته یک کرباس» نوشته جمال زاده

در ص ۶۸ همان کتاب.

- «ضرب المثل» در ص ۱۴۱ همان کتاب.

این ها، جدا از آثاری به نظم و نثر است که به سبب برخورداری از رگه های طنز، «طنز آمیز» تلقی می شوند، ولی طنز آمیز بودن، وجه غالب و بارز آن ها نیست.

در هر حال، به نظر می رسد در معرفی آثار ادبی، هر جا نوشته یکسره طنز است، در کنار آوردن ویژگی های اثر، بهتر است به طنز بودن آن نیز اشاره شود تا دانش آموز بتواند به شناختی کاربردی در این زمینه دست یابد. چنانچه این امر در پاره ای اوقات رعایت شده است. برای مثال، در شعر «مست و هوشیار» پروین اعتصامی در ص ۸۰ ادبیات فارسی دوره ی پیش دانشگاهی، یا زندگی نامه ی «بوی جوی مولیان» در ص ۱۷۲ کتاب ادبیات سوم دبیرستان، بر «طنز آمیز بودن» اثر تأکید شده است ولی در تمام موارد چنین نیست.

در کنار این گونه آثار، نوشته هایی نیز هستند که در کنار بحث های نظری طنز، با هدف آشنا ساختن دانش آموز با آثار طنز آمیز چاپ شده اند و در بخش های طنز کتاب های درسی آمده اند. این آثار، به تناسب مباحث کتاب های درسی که به طنزهای پیشینیان، ادبیات مشروطه و طنز معاصر پرداخته است، به عنوان نمونه ی آثار طنز این دوره ها آمده اند. در کتاب اول دبیرستان، در بخش ادبیات دوره ی مشروطه، که طنز به عنوان عاملی در خدمت مبارزه ی سیاسی قلمداد شده است، اثر «مشروطه ی خالی» از دهخدا، شعری از اشرف الدین گیلانی (نسیم شمال) و بخشی از سیاحت نامه ی

ابراهیم بیگ، ترکیبی مناسب را از نمونه های طنز این دوره در اختیار دانش آموز قرار داده است.

در کتاب ادبیات فارسی سال دوم، در بخش ادبیات داستانی معاصر، با بیان این امر که پس از مشروطه رمان گونه هایی گاه طنز آلود و هجو آمیز ساخته شده، برای معرفی نمونه هایی از این گونه ی ادبی، ضمن معرفی جمال زاده و «یکی بود یکی نبود»، داستان کباب غاز او چاپ شده است. کباب غاز، از نظر ساختاری، در رده ی آثار قوی جمال زاده مثل درد دل ملا قربانعلی قرار نمی گیرد ولی با توجه به جوانب امر، انتخاب مناسبی است، اگرچه این اثر هم مانند بسیاری دیگر از آثار ادبی کتاب های درسی، دچار جرح و تعدیل شده است.

در بخش فرهنگ و هنر همین کتاب (ادبیات دوم دبیرستان)، برای ارائه ی نمونه ای از آثار طنز، مطلب «مایع حرف شویی» نوشته ی جلال رفیع آمده است. در بخش «بیاموزیم» همین درس (ص ۱۲۴)، گفته شده است که «در متن مایع حرف شویی، نویسنده کوشیده است یکی از ضعف ها و ناهنجاری های اجتماعی را به شیوه ای غیر مستقیم نقد و نکوهش کند. به چنین نوشته هایی طنز گفته می شود.»

ولی در حقیقت این مطلب، نقد و نکوهش غیر مستقیم ضعف ها نیست. بلکه مقاله ای است که با زبانی طنز آلود، به نقد یکی از مسائل اجتماعی به صورتی صریح و مستقیم می پردازد. این مطلب، بیش از آن که از قالبی طنز آمیز برخوردار باشد، به علت نگاه طنز آلود نویسنده، دارای تعبیر طنز آمیز است. به بیانی دیگر، مطلب، یکسره طنز



نیست. از این رو اگر مؤلفان محترم در پی یافتن مصداقی از یک مطلب طنزآمیز بودند که به نقد و نکوهش غیرمستقیم ضعف‌ها بپردازد، به نظر نمی‌رسد مطلب «مایع حرف شویی» گزینه‌ی مناسبی برای این منظور باشد.

در کتاب زبان فارسی سال سوم (رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی) در بخش طنزپردازی، از گل‌آقا اثری آمده است که انتخاب به جایی است و متناسب با فضای ذهنی و شناختی دانش‌آموزان است و «اسفندیار در چشم‌پزشکی» نام دارد. در ص ۱۳۴ از همین کتاب برای ارائه‌ی نمونه‌ای از «نقیضه‌پردازی»، مطلبی از گل‌آقا نقل شده است که عنوان «قبض‌آب» را دارد و به نام نویسنده‌ی آن اشاره‌ای نشده است. این مطلب، نوشته‌ی منوچهر احترامی است که بیش از ۴۰ سال سابقه‌ی طنزنویسی در نشریات طنز معاصر را دارد و از طنزنویسان خوب امروز ماست و جا دارد زیر آن مطلب، به نام او اشاره شود.

در کتاب ادبیات فارسی سال سوم رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی، در بخش «درآمدی بر ادب انتقادی»، از طنز به عنوان یکی از انواع ادب انتقادی نام برده شده است که این تعریف با نمونه‌هایی از حکایت‌های طنز پیشینیان ص ۱۶۷ و داستان «تولدنی دیگر» نوشته‌ی «مسعود کیمیاگر» در ص ۱۷۲ همراه است. ویژگی آثار کیمیاگر، محسوس، ملموس و امروزی بودن موضوعات آن‌هاست که با زبانی ساده و روایی و غالباً در قالب اول شخص، به صورت خاطره‌نویسی و فاقد حشو و زواید ارائه می‌شود ولی از نظر فنی و تکنیک

داستان‌نویسی قابل نقد است. مناسب‌تر می‌بود اگر در این بخش، از آثار داستان‌نویسان تکنیکی‌تری مثل خسرو شاهانی یا هوشنگ مرادی‌کرمانی استفاده شود. به خصوص این که بسیاری از آثار شاهانی یا مرادی‌کرمانی، عنصر «نقد اجتماعی» را بیش‌تر در خود دارد، تا اثر «تولدنی دیگر» که بیش‌تر طنزی فرهنگی-خانوادگی است.

در کتاب ادبیات دوره‌ی پیش‌دانشگاهی (عمومی)، انتخاب داستان کوتاه «قصه‌ی عینکم» نوشته پرویزی، حکایت از دقت نظر مؤلفان این کتاب در انتخاب اثری مناسب و به‌یاد ماندنی برای کتاب‌های درسی دارد. این داستان، در سال‌های میانی دهه‌ی ۵۰ نیز در کتاب‌های درسی بود و بعدها حذف شد.

در کتاب متون نظم و نشر دوره‌ی پیش‌دانشگاهی رشته‌ی علوم انسانی، نمونه‌هایی از نظم (به نظم و به نثر) دیروز از گلستان سعدی، مثنوی مولوی، هفت‌اورنگ نظامی، رساله‌ی دلگشای عبید، لطایف الطوائف فخرالدین علی‌صفی آمده است. سپس در بخش «نمونه‌هایی از طنز امروز»، نمونه‌های خوبی از چرند پرند دهخدا و نیز دو اثر یکی به نظم و یکی به نثر - از گل‌آقا آمده است. اثر نشر، جزء آثار خوب صابری است و اثر نظم، از مثنوی‌های قوی صابری است که البته شأن نزولی دارد و انگیزه‌ی سرایش آن، ارائه‌ی نطقی تند از سوی آیت‌الله خلیجی علیه گل‌آقا است و خواننده، بدون اطلاع از این امر شاید لطف مطلب را به‌طور کامل دریابد. مضافاً این که مؤلف محترم کتاب

درسی، برخی از اشارات مستقیم یا غیرمستقیم صابری به این مسئله را از شعر حذف کرده است که این امر گاه مفهوم را نیز مخدوش ساخته است. برای مثال بیت:

ای بسا دو ترک و گیلک هم‌زبان

خود حقیقت نقد حال ماست آن

که بیت چهارم بند دوم شعر است، حذف شده است که این امر در مفهوم بیت‌های بعدی: «هر دو مان...» خدشه ایجاد کرده است.

در ارائه‌ی نمونه‌های آثار طنز در کتاب‌های ادبیات، لازم است این سؤال نیز طرح شود که چرا از نمونه‌های آثار طنزنویسان مشهور جهان استفاده نشده و تنها به ارائه‌ی نمونه‌های داخلی اکتفا شده است؟ آثار بزرگانی چون آنتوان چخوف، از میراث‌های بزرگ ادبیات جهان است که بر آثار طنزنویسندگان پس از خود اثری تعیین‌کننده داشته است. چه خوب بود با ارائه‌ی آثار این بزرگان، علاوه بر آشنایی دانش‌آموز با نام و آثار چهره‌های معروف طنز جهان، مؤلفان، قدرت انتخاب بیش‌تری برای ارائه‌ی آثار برجسته طنز داشتند.

ب - مباحث نظری طنز

بحث‌های نظری پیرامون طنز در کتاب‌های ادبی دوره‌ی دبیرستان، بسیار جای نقد دارد. ورود به مباحث نظری پیرامون طنز در این کتاب‌ها، همان‌گونه که در گذشته به آن اشاره شد، با اشاره‌ی کوتاهی که به «لطیفه‌های ادبی» در کتاب فارسی پایه سوم راهنمایی انجام پذیرفت، آغاز می‌شود که در آن، وجوه افتراق میان

طنز، هزل و فکاهه را اجتماعی بودن طنز، و فاصله گرفتن دو بخش دیگر از این ویژگی دانسته است. این رویکرد تأکید بر اجتماعی بودن طنز به عنوان مهم ترین ویژگی آن، در کتاب های دوره ی دبیرستان تداوم می یابد و بسط داده می شود.

در کتاب اول دبیرستان در بخش: «درآمدی بر ادبیات دوره ی مشروطه» (ص ۱۳۰) گسترش یافتن استفاده از طنز و نقد سیاسی و اجتماعی، یکی از ویژگی های ادبیات دوره مشروطه تلقی شده است، که «در این دوره نثر طنزآمیز در خدمت مبارزه ی سیاسی قرار می گیرد.» در کتاب سال دوم، در بخش ادبیات داستانی معاصر (ص ۲۹)، بر صفت طنزآمیز و هجوآلود بودن برخی رمان گونه های دوره ی معاصر تأکید شده است و در ص ۱۲۴ همین کتاب، در بخش پیاموریم، هدف از طنز را هشدار دادن، اصلاح نابه سامانی ها و نابه هنجاری های اجتماعی، با به کارگیری نوعی درشت نمایی آمیخته با خنده قلمداد می کند و با «پزشک روح» خواندن طنز نویس، او را موظف به از بین بردن ریشه ی بیماری هایی

چون: دورویی، غرور و... می داند. این نگاه در کتاب های سال سوم نیز وجود دارد.

بیان غیر متعارف و خنده آور با بزرگ نمایی زشتی ها و کاستی ها که نوعی نقد محسوب می شود طنز است و از انواع ادب انتقادی به شمار می آید. (زبان فارسی - سوم رشته ی ادب و علوم انسانی - ص ۱۳۰) اگرچه یکی از انواع مهم نقد اجتماعی، طنز است، ولی منحصر ساختن طنز به نقد اجتماعی، ما را از کارکردهای دیگر طنز غافل می سازد. در نتیجه بسیاری از آثار طنز صوفیانه، طنز حکیمانه، طنز فلسفی و آثار طنز معاصرانی از قبیل کاریکلماتورهای پرویز شاپور را که به ظرافت می گراید نمی توانیم در این چهار چوب بگنجانیم. شاید بتوان بهترین تعاریف از طنز را در کتاب ارزشمند «تاریخ طنز و شوخ طبعی» نوشته ی دکتر اصغر حلبی جست و نیز تعریف استاد شفیع کدکنی که گفته اند: «طنز اجتماع هنری نقیضین است» درست ترین تلقی از طنز دانست. دکتر حلبی، طنز را اظهار یک معنی می داند برخلاف آن چه لفظاً بیان شده است و فرق آن را با هجو در تأثیر بالاتر آن و استهزا و کنایات بی شمار آن می داند. بهتر می بود نویسندگان

محترم کتاب های درسی، در تعریف طنز، حیطه ی گسترده تری را در نظر می گرفتند تا دانش آموز بعدها در یافتن مصادیق آن، دچار اشکال نشود. تعریف طنز، در کتاب های متون نظم و نثر دوره ی پیش دانشگاهی رشته ی علوم انسانی ص ۱۵۱، با ذکر وجوه افتراق میان هجو، هزل و طنز کامل می شود و در عین حال، اشکالاتی که بر تعریف گونه های شوخ طبعی و طنز در این میان وارد است، رخ می نماید. در این بخش، هجو و هزل وقیح و صریح توصیف می شوند ولی این تعریف، بر تفاوت های هجو و هزل تأکیدی ندارد و از شاخه های دیگر ادبیات شوخ طبعانه از جمله فکاهه یاد نمی کند.

به نظر می رسد در این درس، هجو با هزل یکی گرفته شده است. صاحب نظران ادبی، وقاحت را صفت هزل و صراحت را ویژگی هجو می دانند ولی در تعاریف این کتاب، این دو یک جا مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند. اگرچه در برخی جراید یا کتاب ها، یک جا نشان دادن هجو و هزل در مقام مقایسه با طنز دیده می شود، ولی از کارشناسان تألیف کتاب های درسی، انتظار می رود که فراتر از نگارش مقالات انسانی، بحث را دقیق تر و فنی تر دنبال کنند.

این امر در بحث های کاربردی مربوط به طنز نویسی نیز مصداق پیدا می کند: مفصل ترین بحث در این زمینه، مربوط به درس طنزپردازی (ص ۱۳۰ تا ص ۱۳۵) از کتاب زبان فارسی کلاس سوم رشته ی ادبیات و علوم انسانی است که فراتر از مباحث مربوط به تعریف طنز، شگردهای طنز نویسی را نیز بررسی می کند. نویسنده، در ص ۱۳۲ اشاره می کند که



«اساس همه‌ی طنزها برهم زدن عادت‌ها است» که سخن درستی است. چرا که نگاه غیر معمول به پدیده‌ها و برخورد غیرمنتظره با آن‌ها، پدیدآورنده‌ی طنز است. در ادامه، می‌نویسد: «با بزرگ‌نمایی و اغراق در توصیف چهره و حالات و خصایص انسانی می‌توان یک نوشته‌ی طنزآمیز را ساخت.» به نظر می‌رسد هر یک از این دو جمله: «اساس همه‌ی آن‌ها برهم زدن عادت‌هاست» و «با بزرگ‌نمایی و اغراق در توصیف...» مستقل از دیگری است و برای جلوگیری از سوء برداشت خواننده، باید با گذاشتن نقطه میان این دو، آن‌ها را از هم مستقل کرد. چرا که ممکن است دانش‌آموز با خواندن این سطر تصور کند که «برهم زدن عادت‌ها» در طنز، تنها از طریق «بزرگ‌نمایی و اغراق در توصیف چهره و...» حاصل می‌شود، در حالی که بزرگ‌نمایی، تنها یکی از شگردهایی است که برای برهم زدن عادت‌ها در طنز به کار می‌رود، نه تمام آن‌ها.

پس از این مقدمه، نویسنده به ذکر شگردهای طنز نویسی می‌پردازد و در بخشی از آن می‌نویسد: «یکی از راه‌های ساخت طنز، کش دار کردن موضوع یا ماجراست» و برای نمونه، مطلب «یک تحقیق تاریخی» نوشته‌ی خسرو شاهانی را می‌آورد.

باید گفت که این مطلب خسرو شاهانی - که اتفاقاً از نمونه‌های خوب طنزهای او در ستون «در کارگاه نمد مالی» است - در حقیقت از نوع نقیضه نویسی است. یعنی شاهانی، شیوه‌ی حاشیه روی یکی از نویسندگان آن زمان را دست‌مایه‌ی نگارش مطلبی تاریخی و تحقیقی می‌کند، به

گونه‌ای که حاشیبه، اصل ماجرا را تحت الشعاع قرار می‌دهد. از این رو، نمونه، «نظیره‌ای بر مطالب کش دار» است و نه «مصادق کش دار کردن موضوع یا ماجرا، برای ساختن طنز.» اتفاقاً کش دار کردن موضوع، چندان با طنز سازگار نیست: طنز، عرصه‌ی ایجاز است نه به درازا کشیدن سخن. مگر «حاشیه روی» باشد که مسئله‌ی دیگری است و به عنوان شگرد دیگری، این امر (حاشیه روی) در بند بعدی درس آمده است.

شگردهای دیگری که در این بخش برای طنز نویسی عنوان شده است، لازم‌اند ولی کافی نیستند و نویسنده‌ی محترم، از شگردهای مهمی چون: غافل‌گیری، تعلیق، به کارگیری صناعات ادبی چون تجاهل‌العارف، وارونه‌سازی، تداخل رخدادها و... یاد نکرده است که برخی از این شگردها، از اصول مهم طنز نویسی به شمار می‌آیند.

از دیگر دروسی که به صورت کاربردی به طنز و طنز نویسی می‌پردازد، درس نوزدهم کتاب متون نظم و نثر ادبیات فارسی دوره‌ی پیش دانشگاهی رشته‌ی علوم انسانی است که در آن، ضمن بررسی ویژگی‌های مجله‌ی گل آقا در ص ۱۶۲ به شگردهای طنز نویسی در گل آقا نیز اشاره کرده است و در این میان، ذکر نکاتی ضروری است:

۱. در مقدمه‌ی درس گفته شده است: «گل آقا با چند ویژگی ممتاز می‌شود: بهره‌گیری تجاهل‌العارف و غلط‌گیری تعمّدی»

در این ارتباط باید گفت سیاق عبارت، هم معنایی تجاهل‌العارف و غلط‌گیری

تعمّدی را به ذهن خواننده می‌آورد، در حالی که این دو با یکدیگر متفاوت‌اند و دومی، زیرمجموعه‌ی اولی است. در ضمن این شگردها، تمایز بخش گل آقا با طنزهای دیگر نیست که به وسیله‌ی آن دو، از دیگران «ممتاز» شود. بلکه هر دوی این شگردها، معمولاً طنز نویسی به شمار می‌آیند که در آثار بسیاری از طنز نویسندگان در نشریات دیگر نیز آمده‌اند.

دومین ویژگی ممتاز کننده‌ی گل آقا در این درس «پرداخت طنز از طریق ایجاد تغییرات ظریف و زیرکانه در شعرهای مشهور قدیم و جدید» عنوان شده است که ایراد بند اول نیز به آن وارد است.

در بند چهارم همین درس، «اجتناب از طنز سطحی و مبتذل» به عنوان ویژگی دیگر طنز مجله‌ی گل آقا آمده است. لفظ «سطحی»، قابل تفسیر است. چرا که مطالب هفته‌نامه‌ی گل آقا، به تناسب یکدست نبودن خوانندگان، و نیز نویسندگان آن، از سطوح متفاوتی برخوردار است. از این رو بهتر است به جای «اجتناب از طنز سطحی و مبتذل»، عبارت: «اخلاق گرایی در طنز» جایگزین شود.

در مجموع، به نظر می‌رسد تلاش نویسندگان کتاب‌های درسی ادبیات برای معرفی طنز به دانش‌آموزان و ارائه‌ی آثار درخشانی از طنز گذشتگان و طنز معاصر، قابل تقدیر باشد و در مجموع، زمینه‌ساز برداشتی جدی از طنز را - با توجه به نمونه‌های خوبی که از آثار طنز معاصر و گذشتگان در این کتاب‌ها فراهم آمده است - در اختیار دانش‌آموز قرار دهد.